



The University of Tehran Press

Withdrawal from Environmental Treaties and the Necessity of Adhering to International Rules and Regulations

Elaheh Mohseni Pour¹  | Karen Rouhani² | Ali Babaei Mehr³ 

1. PhD student, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Mazandaran. Iran.
Email: Adonis.g2014@gmail.com
2. Corresponding Author; Faculty Members, Islamic Azad University of Ghaemshahr Branch, Mazandaran. Iran. Email: Rohani.karan@qaemiau.ac.ir
3. Faculty Members, Islamic Azad University of Babol Branch. Mazandaran. Iran.
Email: gatbabayee@yahoo.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	As a result of human activities in recent decades, the state of the earth's environment has faced irreparable damage. This issue has compelled governments to formulate and implement various environmental laws and regulations across all dimensions. The aim of this article is to examine the foundations of states obligating to adhere to international environmental rules and regulations, with an emphasis on the unilateralism of certain states regarding their withdrawal from environmental treaties. The results indicate that the Paris Agreement focuses primarily on developing countries, while the highest levels of environmental pollution are generated by developed countries. The breach of commitment by some countries, such as the United States, China, and Russia, and their withdrawal from and disregard for this treaty clearly demonstrate that these countries have not fulfilled their commitments adequately. Consequently, addressing these existing challenges in the world requires the cooperation of all governments, the private sector, and civil society to prioritize risk reduction, as well as fairness and justice in decision-making and investment.
Pages: 2775-2799	
Received: 2022/11/07	
Received in revised form: 2023/04/30	
Accepted: 2023/06/26	
Published online: 2024/12/21	
Keywords: <i>the Paris Agreement, climate change, unilateralism approach, zero carbon, greenhouse gases.</i>	
How To Cite	Mohseni Pour, Elaheh; Rouhani, Karen; Babaei Mehr, Ali (2025). Withdrawal from Environmental Treaties and the Necessity of Adhering to International Rules and Regulations. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (4), 2775-2799. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2023.349849.3198
DOI	10.22059/jplsqt.2023.349849.3198
Publisher	University of Tehran Press. 



خروج از معاهدات زیست محیطی و لزوم رعایت قواعد و مقررات بین المللی

الهه محسنی پور^۱ | کارن روحانی^۲ | علی بابایی مهر^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، مازندران، ایران. رایانامه: Adonis.g2014@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، مازندران، ایران. رایانامه: rohani.karan@qaemiau.ac.ir

۳. عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، مازندران، ایران. رایانامه: gatbabayeee@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۷۷۵-۲۷۹۹ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: توافقنامه پاریس، تغییرات اقلیمی، رویکرد یکجانبه گرایی، کرین صفر، گازهای گلخانه‌ای.	در نتیجه فعالیت‌های بشر در چند دهه اخیر، وضعیت محیط زیست، کره زمین را با صدمات جبران ناپذیری مواجه ساخته است. همین مسئله دولت‌ها را بر آن داشته است تا قوانین و مقررات محیط زیستی مختلفی را در همه ابعاد تدوین و اجرا کنند. هدف این مقاله بررسی مبانی الزام کشورها به رعایت قواعد و مقررات بین المللی محیط زیست با تاکید بر رویکرد یکجانبه گرایی برخی کشورها نسبت به خروج از معاهدات زیست محیطی است. نتایج نشان می دهد، توافقنامه پاریس بیشترین تمرکز خود را بر کشورهای در حال توسعه دارد. درحالی که بیشترین آلودگی زیست محیطی را کشورهای توسعه یافته ایجاد می کنند. بدعهدی برخی کشورها مانند آمریکا، چین و روسیه و خروج و نادیده گرفتن این کنوانسیون به روشنی نشان داد که برخی کشورها در این زمینه نقش خود را به درستی ایفا نکرده اند. در نتیجه مقابله با این چالش‌های موجود در جهان شامل همکاری همه دولت‌ها، بخش خصوصی، جامعه مدنی برای اولویت‌دهی به کاهش خطر و همچنین انصاف و عدالت در تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری است.
استناد	محسنی پور، الهه؛ روحانی، کارن؛ بابایی مهر، علی (۱۴۰۳). خروج از معاهدات زیست محیطی و لزوم رعایت قواعد و مقررات بین المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۴)، ۲۷۹۹-۲۷۷۵.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2023.349849.3198 10.22059/jpls.2023.349849.3198
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

حفظ محیط زیست و رسیدن به توسعه پایدار مسئولیت مشترک همه کشورهاست. جوامع بین المللی برای تدوین مجموعه ای از معاهدات زیست محیطی چندجانبه، جنبه های مختلف از جمله تغییرات آب و هوا، حفاظت از تنوع زیستی، حفاظت از لایه ازن، پیشگیری و کنترل آلودگی های شیمیایی را به صورت جدی پیگیری کرده و در دستور کار خود قرار داده اند. معاهدات چارچوبی قانونی برای همکاری بین المللی ارائه کرده است. در این بین ایالات متحده به عنوان پیشرفته ترین کشور توسعه یافته، سابقه ضعیفی در تعامل و پیروی از معاهدات زیست محیطی چندجانبه دارد که به انصاف، کارایی و اثربخشی حاکمیت جهانی محیط زیست آسیب زیادی وارد کرده است. چین به دلیل بزرگی و رشد اقتصادی فزاینده خود باید نقش مهمی در حل مشکلات زیست محیطی جهانی ایفا کند. پس از ایالات متحده، چین دومین تولیدکننده گازهای گلخانه ای است که سبب تغییرات آب و هوایی می شود. این کشور بزرگ ترین تولیدکننده و مصرف کننده موادی است که به لایه ازن آسیب می رساند. با توجه به رشد سریع اقتصادی و افزایش شدید تقاضا برای خودرو در چین، آژانس بین المللی انرژی پیش بینی می کند که افزایش انتشار گازهای گلخانه ای تنها در چین برای دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ تقریباً برابر با سایر کشورهای جهان خواهد بود و این خود تهدیدی برای آینده زمین است. با توجه به رشد اقتصادی و پیشرفت های روزافزون فناوری جامعه بین الملل مجبور به انجام اقدامات فردی یا جمعی برای پیشگیری و کنترل انواع آلودگی و همچنین حفاظت از محیط زیست شده است (پورهاشمی، ۲۰۲۰: ۴۸). با وجود تمام تلاش های جوامع بین المللی برای توسعه ابزارهای قانونی الزام آور و غیرالزام آور، نگرانی های زیست محیطی و تهدیدهایی مانند گرم شدن کره زمین، تغییرات آب و هوا، بیابان زدایی و جنگل زدایی نه تنها باقی مانده، بلکه رو به افزایش است (کتابخانه حقوقی جورج تاون^۱، ۲۰۱۰). در این مقاله در خصوص معاهدات زیست محیطی و یکجانبه گرایی برخی کشورها نسبت به خروج از معاهدات زیست محیطی بحث شده است. کشورها مانند آمریکا در زمینه تغییرات آب و هوایی، در حال حاضر درگیر استراتژی «یکجانبه گرایی احتمالی» هستند. یکجانبه گرایی احتمالی از دو جزء کلیدی تشکیل شده است؛ اولاً، شامل اعمال قانون تغییرات آب و هوایی برای انتشار گازهای گلخانه ای است که در خارج از کشور تولید می شود؛ ثانیاً، این گسترش جغرافیایی را مشروط می کند، به این معنا که کشورهای عضو ممکن است موافقت کنند که در صورت وضع مقررات بین المللی برای تغییر آب و هوا، از اجرای خارجی قانون تغییرات آب و هوایی خود چشم پوشی کنند. پدیده یکجانبه گرایی احتمالی در چارچوب حاکم بر طرح تجارت انتشار گازهای گلخانه ای^۲ آشکارتر است.

1. Georgetown Law Library

2. Emission trading scheme (ETS)

۲. موافقت نامه و کنوانسیون های بین المللی

مشکلات زیست محیطی حد و مرز نمی شناسد و بازیگران اصلی آلاینده‌گی در سطح جوامع بین المللی اشخاص هستند. به طور سنتی، تنها ابزار موجود برای تنظیم رفتار در جوامع بین المللی مردم هستند. از آغاز قرن، بیش از ۱۷۰ معاهده و سند چندجانبه زیست محیطی ایجاد شده است که موضوعاتی از جو و محیط زیست دریایی گرفته تا حفاظت از طبیعت و جریان آب های فرامرزی را پوشش می دهد. معاهده واژه ای عام است و کنوانسیون، موافقت نامه بین المللی، توافقنامه، پروتکل، پیمان، میثاق و... را در برمی گیرد. نامی که برای یک موافقت نامه انتخاب می شود، فی نفسه اهمیت ندارد و فاقد اثر حقوقی است (عمرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۰). معاهده در عرصه حقوق داخلی کشورها با قوانین مصوب مجلس قانون گذاری قابل مقایسه است. اما تفاوت مهم این دو آن است که مفاد معاهده نسبت به دولت هایی که با آن موافقت کرده اند، قابل اجراست و کاربرد عمومی ندارد. در واقع در حقوق داخلی افراد حق انتخاب و گریز از قانون را ندارند، اما اعضای جامعه بین المللی از این حق برخوردارند (عمرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۵). مبرهن است که مشکلات زیست محیطی جهانی را نمی توان تنها با مقررات ملی زیست محیطی حل کرد. اقدام در سطح بین المللی برای حفاظت موثر از محیط زیست ضروری است. برخی از معاهدات عبارت اند از: کنفرانس استکهلم^۱ (۱۹۷۲)، کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق دریا^۲ (۱۹۸۲)، کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه^۳ (۱۹۸۷)، کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه^۴ (۱۹۹۲)، اجلاس جهانی در مورد توسعه پایدار^۵ (۲۰۰۲)، کنوانسیون تغییرات اقلیمی^۶ ۲۰۱۵، دستور کار ۲۱^۷، برنامه اقدام برای توسعه پایدار، کنوانسیون آرهوس^۸، کنوانسیون دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم گیری و دسترسی به عدالت در مسائل زیست محیطی، کنوانسیون بازل^۹، این کنوانسیون در مورد کنترل جابجایی های فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها، اصلاحیه ممنوعیت بازل، پروتکل مسئولیت و جبران خسارت ناشی از جابه جایی فرامرزی پسماندهای خطرناک^{۱۰}، کنوانسیون تنوع زیستی^{۱۱}، کنوانسیون بنکرها^{۱۲}، کنوانسیون

1. Stockholm Conference
2. United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS)
3. World Conference on Environment and Development
4. United Nations Conference on Environment and Development
5. World Summit on Sustainable Development
6. Climate Change Convention 2015
7. Agenda 21
8. Action Plan for Sustainable Development, Aarhus Convention
9. Basel Convention
10. Liability and compensation protocol for transboundary movement of hazardous waste
11. Convention on Biological Diversity
12. Convention of Bankers

بین المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت آلودگی نفتی بنکر، پروتکل کارتاها^۱، این پروتکل در مورد ایمنی زیستی به کنوانسیون تنوع زیستی و... معاهدات بر بسیاری از جنبه های حقوق بین الملل محیط زیست حاکم است. معاهدات به دو صورت نرم و سخت وجود دارند.

۳. اصل مسئولیت های مشترک اما متمایز و قابلیت های مربوطه

اصل مسئولیت ها و قابلیت های مشترک اما متمایز^۲ در قلب قرارداد بین المللی در مورد تغییرات آب و هوا قرار دارد. در ماده ۳ کنوانسیون چارچوب تغییر آب و هوا بیان شده و در تصمیمات متعددی که توسط طرفین گرفته شده است^۳، از جمله تصمیم آغاز مذاکرات که به پروتکل کیوتو منجر شد، تکرار شده است.^۴

اصل مسئولیت ها و قابلیت های مشترک اما متمایز مسئولیت مشترکی را بین دولت ها برای حفاظت از سیستم آب و هوایی ایجاد می کند. در این بین تحریم ها، با توجه به تفاوت های فراگیر بین دولت ها در کمک هایشان به ذخایر گازهای گلخانه ای جهانی^۵ و توانایی های اقتصادی شان، برای رسیدگی به تغییرات آب و هوایی شایان ذکر است. این اصل هم سهم فعلی و هم تاریخی را در ذخیره گازهای گلخانه ای جهانی در نظر می گیرد. در این بین مشهود است «بزرگ ترین سهم انتشار جهانی تاریخی و فعلی گازهای گلخانه ای از کشورهای توسعه یافته نشأت می گیرد و سهم انتشار گازهای جهانی در کشورهای در حال توسعه برای رفع نیازهای اجتماعی و توسعه ای آنها رو به افزایش است».^۶

اگرچه اصل مسئولیت ها و قابلیت های مشترک اما متمایز نقشی محوری در حقوق بین الملل محیط زیست بازی می کند، محتوای اصلی این اصل و همچنین ماهیت تعهدی که به همراه دارد، عمیقاً مورد مناقشه است. دیدگاه های متفاوتی در این زمینه وجود دارد. اصل مسئولیت ها و قابلیت های مشترک اما متمایز به تمایز بر اساس توانایی به تنهایی اشاره دارد، استفاده از اصطلاح «قابلیت های مربوطه» در این بین اضافه خواهد بود. ماده ۳ FCCC^۷ قصد دارد تمایز را بر اساس دو نشانگر تمایز برجسته کند؛ یکی بر

1. Cartagena Protocol

2. Common but differentiated responsibilities and respective capabilities (CBDRRC)

3. See, e.g., Dec. 1/CP.8, 'Delhi Ministerial Declaration on Climate Change and Sustainable Development', in FCCC/CP/2002/7/Add.1 (28 Mar. 2003), and Dec. 1/CP.13, 'Bali Action Plan', in FCCC/CP/2007/6/Add.1 (14 Mar. 2008) (hereinafter 'Bali Action Plan').

4. Dec. 1/CP.1, 'Berlin Mandate: Review of Adequacy of Articles 4, paragraph 2, sub-paragraph (a) and (b) of the Convention, including proposals related to a Protocol and decisions on follow-up', in FCCC/CP/1995/7/Add.1 (6 June 1995) (hereinafter 'The Berlin Mandate').

5. Global Greenhouse Gases

6. Preamble recital 3, FCCC, supra note 38

7. Fijian Competition & Consumer Commission (FCCC)

اساس قابلیت و دیگری برگرفته از اصل ۷ ریو^۱ که شامل تعریف معتبر^۲ CBDR براساس مشارکت در آسیب زیست محیطی جهانی است. در مورد ماهیت تعهدی که اصل مسئولیت‌ها و قابلیت‌های مشترک اما متمایز مستلزم آن است، اختلاف نظرهایی وجود دارد. در حالی که برخی استدلال می‌کنند که دولت‌ها را ملزم می‌کند به روش‌های خاصی عمل کنند، برخی دیگر معتقدند که این صرفاً یک ملاحظه است که باید در فرایند تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود. اختلاف نظر بر سر محتوای این اصل و ماهیت تعهدی که به دنبال دارد، بحث‌هایی را در مورد وضعیت حقوقی آن ایجاد کرده است. ادعای ما این است که حتی اگر این اصل به خودی خود ماهیت یک تعهد قانونی را به خود نگیرد، بخشی اساسی از دستگاه مفهومی رژیم تغییر اقلیم است، به طوری که مبنایی برای تفسیر تعهدات موجود و تشریح تعهدات حقوقی بین‌المللی آینده در رژیم مورد نظر را به وجود می‌آورد. در واقع می‌توان گفت که هر رژیم حقوقی آینده باید با اصل مسئولیت‌ها و قابلیت‌های مشترک، اما متمایز سازگار باشد تا الزامات کنوانسیون و همچنین وظایف اجرای و تفسیر یک معاهده را با حسن نیت برآورده کند. دولت‌های عضو نیز موظفاند نه تنها تعهدات فعلی را اجرا کنند و تعهدات جدید را مطابق با اصل مسئولیت‌ها و قابلیت‌های مشترک، اما متمایز در مقابل سایر احزاب بسازند.^۳

بی‌گمان در اجرای این اصل مشکلاتی وجود خواهد داشت. با توجه به تفاسیر متفاوت از اصل مسئولیت‌ها و قابلیت‌های مشترک اما متمایز، مشخص نیست که این اصل به چه چیزی نیاز دارد و طرفین چگونه باید آن را اعمال کنند. اما این مشکلات حل‌نشده نیستند. اصل مسئولیت‌ها و قابلیت‌های مشترک اما متمایز خود نشان می‌دهد که بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از لحاظ اجرا تمایز قائل می‌شود، مانند برنامه‌های انطباق با تأخیر، مجوز اتخاذ سال‌های پایۀ بعدی، برنامه‌های گزارش دهی با تأخیر و رویکردهای نرم‌تر برای عدم انطباق. همچنین در مقرراتی که وضع کرده است کمک‌های مالی و فن‌آوری را به کشورهای در حال توسعه اعطا کرده است و در اصل مربوطه کاملاً نمایان است که بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با توجه به تعهدات اصلی مندرج در معاهده،

1. Principle 7, Rio Declaration on Environment and Development, in Report of the UN Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3–14 June 1992, A/CONF.151/26 (1992), i, 31 ILM (1992) 874.
2. Common But Differentiated Responsibilities
3. For a recent analysis of differing applications of CDBRRC suggested by Parties see Rajamani, 'The Reach and Limits of the Principle of Common but Differentiated Responsibilities and Respective Capabilities in the Climate Change Regime', in N.K. Dubash (ed.), Handbook of Climate Change and India: Development, Politics and Governance (2011), at 118.

مانند اهداف کاهش انتشار و جدول زمانی، تفاوت قائل می شود. درحالی که رفتار متفاوت در رابطه با اجرا و کمک حمایت گسترده ای در میان طرفین دیده شده است، که این رفتار متفاوت در تعهدات مرکزی از ابتدا مورد توجه بوده است. در واقع رد و دوری تدریجی بسیاری از کشورهای توسعه یافته از پروتکل کیوتو که به وضوح میتوان در رفتار ایالات متحده دید، اما در سال های اخیر، طرف های متعهد به دنبال توافقنامه ها و تصمیم های متعددی از جمله معاهده غیرالزام آور کپنهاگ^۱ (۲۰۰۹)، موافقت نامه های کنکون^۲ (۲۰۱۰)، پلتفرم دوربان^۳ (۲۰۱۱)، رسیده اند که به دنبال از بین بردن تمایز و دستیابی به موازی سازی یا تقارن بیشتر بین کشورهای عضو بوده اند.^۴

۴. رویکرد توافقنامه پاریس به کاهش تغییرات آب و هوایی

مهم ترین توافقات جهانی تغییرات اقلیمی شامل کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، پروتکل کیوتو و توافقنامه پاریس هر یک به نحوی کشورهای صادرکننده انرژی را تحت تأثیر تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه ای قرار داده است (سلیمان پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸؛ فتحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱). در این میان کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو که بر مبنای رژیم تمایزگرا شکل گرفته، با مسئول شناختن کشورهای توسعه یافته در انتشار بیش از حد گازهای گلخانه ای تعهدات عمده کاهش انتشار را متوجه این گروه از کشورها کرده است (اشتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۹). با وجود تلاش های چندجانبه ای که در حال حاضر برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای اصلی مانند گازهای گلخانه ای دی اکسید کربن، متان و اکسید نیتروژن (سامانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸) و همچنین گازهای فلورین، HFC، PFC، SF6 انجام گرفته است، به دنبال ای از کنفرانس ها و مذاکرات بین المللی منجر شد، پیشرفت اقتصاد کم کربن تاکنون ایجاد نشده است و انتشار CO2 همچنان در حال افزایش است. براساس گزارش سازمان جهانی هواشناسی^۵، سال ۲۰۱۶ گرم ترین سال ثبت شده بود (دمای جهانی ۲۰۱۶ تقریباً ۱,۲ درجه سانتی گراد بالاتر از سطح قبل از صنعت است) (پاون^۶، ۲۰۱۸). در سال ۲۰۱۶ این توافق فرایندی را برای

1. Non-Binding Copenhagen Convention

2. Cancun Agreements

3. Durban Platform

4. See, e.g., Preamble provisions of the Convention to Combat Desertification in Those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, Particularly in Africa, 17 June 1994, 33 ILM (1994) 1328, 1994; FCCC, *supra* note 38; and UN Framework Convention on Biological Diversity, 2 June 1992, 31 ILM (1992) 818.

5. WMO, World Meteorological Organization

6. Pavone

حرکت جهان به سمت ثبات در میزان گازهای گلخانه‌ای ایجاد کرد. این توافقنامه از غلظت گازهای گلخانه‌ای^۱ در جوامع بین‌المللی در زمینه تغییرات آب‌وهوایی خطرناک جلوگیری می‌کند (چکشی، ۱۳۹۱؛ رودز^۲، ۲۰۱۷). موافقت‌نامه پاریس در چارچوب رژیم حقوق بین‌الملل در زمینه تغییرات اقلیمی و به‌طور خاص چارچوب کنوانسیون در خصوص تغییرات اقلیمی تنظیم شده است، در ابتدای ماده ۳ موافقت‌نامه به‌صراحت اشاره دارد که دولت‌های عضو هدایت می‌شوند که اصول را رعایت کنند. عدم استفاده از واژه‌ای که دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد و استفاده از واژه هدایت کردن به‌جای آن بدان معناست که اصولاً اصول مندرج در ماده ۳ از گستردگی مفهومی برخوردار خواهند بود. با تأملی بر بند ۱ این اصول می‌توان استنباط کرد که اصولاً توافقنامه مذکور قائل به تعدیل نیاز نسل امروز و نسل آینده با رعایت اصل انصاف است. بنابراین اقداماتی که توسط دولت‌ها صورت می‌پذیرد، باید در عین اینکه تأمین‌کننده نیاز نسل امروز باشد، نیم‌نگاهی نیز به نسل آینده داشته باشد. در موافقت‌نامه یکی از اصول حاکم جهت تحقق اهداف باز بودن اقتصاد دولت‌ها در نظر گرفته شده است تا سازوکارهای حقوقی و اقتصادی لازم برای تجارت صنایع و تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست فراهم شود. اما ایالت متحده آمریکا در اول ژوئن ۲۰۱۷ با اعلام خروج این کشور از توافق پاریس، گام مهمی در راستای تضعیف رویکرد چندجانبه‌گرایی برداشت. خروج آمریکا از یونسکو در اکتبر ۲۰۱۷، خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۱۸، خروج از توافق تغییرات اقلیمی پاریس در اول ژوئن ۲۰۱۷، کاهش مشارکت مالی در پیمان ناتو (از ۲۲ درصد به ۱۶ درصد) از آن جمله بوده است.

مبرهن است که توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۵^۳ به‌عنوان پیشرفت بزرگی در تلاش‌های جهان برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی مورد تجلیل قرار گرفت، به‌ویژه به این دلیل که برای اولین بار همه کشورها موافقت کردند که اقداماتی را برای کاهش یا جلوگیری از تغییرات آب‌وهوایی انجام دهند.^۴ همانطور که مشخص است این توافقنامه توسط سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوایی^۵ در سال ۱۹۹۲ تحت کنوانسیون UNFCCC ایجاد شده است.^۶ هدف همکاری جهانی در مذاکرات اقلیمی «جلوگیری از تداخل

1. GHG, Green House Gases

2. RHODES

3. Paris Agreement in 2015

4. See Historic Paris Agreement on Climate Change: 195 Nations Set Path to Keep Temperature Rise Well Below 2 Degrees Celsius, UNFCCC (Dec. 13, 2014), <https://unfccc.int/news/finale-cop21>.

5. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

6. United Nations Framework Convention on Climate Change art. 2, May 9, 1992, 1771 U.N.T.S. 107 (entered into force Mar. 21, 1994) [hereinafter UNFCCC].

خطرناک انسانی» است که به DAI معروف است، که براساس جلوگیری از آسیب قابل توجه به اکوسیستم‌های طبیعی، امنیت غذایی و توسعه اقتصادی بیان شده است. در این بخش به جای مذاکره درباره بودجه کربن با اهداف و جدول‌های زمانی الزام‌آور ملی و با هدف دستیابی به کاهش دمایی، از هر کشور دعوت شد تا اقدامات کاهش دهنده خود را که به طور ملی تعیین شده بود، در آستانه و در طول مذاکرات پاریس مشخص و اعلام کند. از مارس ۲۰۱۹، ۱۸۲ کشور به طور رسمی سندهای مشارکت ملی خود را در حمایت از اهداف کلی این توافقنامه اعلام کردند.^۱ سازمان ملل متحد نیز اعلام کرد، اجرای کامل سندهای مشارکت ملی فعلی تنها یک سوم از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای لازم را برآورده کرده است.^۲ موافقتنامه پاریس یک توافقنامه بین‌المللی الزام‌آور است، طرفین با دقت زبانی را برای سند مشارکت ملی^۳ و سایر تعهدات کاهشی ایجاد کردند تا اطمینان حاصل کنند که تعهدات خاص به عنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل الزام‌آور نیستند. در این موافقتنامه هیچ فرایند قانونی را برای اعمال یا اجبار یک طرف برای اجرای سند مشارکت ملی خود در نظر نگرفته است. موافقتنامه پاریس صراحتاً هیچ دلیلی برای اقدام اجرای سند مشارکت ملی تحت قوانین ملی در کشورها ایجاد نمی‌کند یا مستلزم آن نیست. قانون نرم، ماهیت غیر الزام‌آور شرط جلب حمایت ایالات متحده از توافق بود. ماهیت غیرالزام‌آور ممکن است از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، اهمیت کمتری داشته باشد. در موافقتنامه پاریس یک «آیین‌نامه» ایجاد شده است که در آن یک سیستم شفاف را مشخص کرده است تا به جوامع بین‌المللی اجازه دهد در ارزیابی کفایت تلاش‌های کاهش دما اجرای تعهدات خود را پیگیری و ارزیابی کنند.

۵. یکجانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا در توافقنامه پاریس ۲۰۱۵

یکی از مباحث محیط زیستی که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی شده است، مسئله تغییرات آب‌وهوایی است. افزایش تراکم گازهای گلخانه‌ای در هواسپهر که ناشی از مداخله بشر در طبیعت است که به تدریج دمای کره زمین را افزایش داده است. عواقب مهیبی که تغییرات آب‌وهوایی به دنبال دارد، ضرورت اقدام برای مقابله با این پدیده را آشکار کرده است (حجتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳).

تغییرات اقلیمی در حال وقوع است و فعالیت‌های انسانی نقشی اساسی در این روند ایفا می‌کنند. بر اساس گزارش هیأت‌های بین‌المللی ارزیابی تغییرات اقلیمی در جهان، نقش فعالیت‌های انسانی در این

1. For a list of NDCs submitted pursuant to the Paris Agreement, see NDC Registry, *supra* note 21.

2. U.N. ENV'T PROGRAMME, EMISSIONS GAP REPORT 2017, at xiv (2017).

3. Nationally Determined Contributions (NDC)

تغییرات ۹۵ درصد می باشد. مباحث بین المللی در صدد بررسی این مسئله هستند که آب و هوا چه پاسخی به روند افزایشی سطح گازهای گلخانه ای جوی طی زمان و در مناطق مختلف جهان خواهد داشت. در سطح جهان مسئله تغییرات اقلیمی تهدیدی علیه امنیت جوامع بین المللی محسوب می شود و سبب ایجاد امید در یکپارچگی اقدامات از طریق ایجاد و سازوکارهای همکاری در برخورد با آثار مخرب آن می شود، در غیر این صورت تغییرات اقلیمی به تعارض و درگیری ها در عرصه روابط بین الملل عمق بیشتری بخشیده و موجب شروع مخاصمات بین المللی بر سر توزیع منابع آب، زمین و مدیریت مهاجرت و یا بحث جبران خسارت بین دولت هایی خواهد شد (یزدانیان و حسین، ۱۳۹۳: ۲۴) که مسئول اصلی تغییرات اقلیمی به شمار می روند و کشورهایی که متأثر از اثرات مخرب آن هستند. روند شکل گیری محافل و رژیم های بین المللی حاکی از افزایش اطلاع رسانی همگانی و نواختن زنگ خطر تأثیرات تغییرات اقلیمی در سطح جهان است و به مرور از سوی جامعه جهانی شناسایی می شود. اما این اقدامات علاوه بر کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی که به صورت سالانه برگزار می گردد. شدت پیامدهای تغییرات اقلیمی به طرح این مسئله به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی از سال ۲۰۰۷ در دستور کار شورای امنیت قرار گرفته است.

امروزه جامعه صنعتی در راستای نیل به توسعه اقتصادی، روند افزایشی استفاده از انرژی های تجدیدناپذیر را اتخاذ کرده است. در نتیجه انتشار گاز دی اکسید کربن ناشی از استفاده گسترده از این منابع انرژی، به تدریج دمای هوای کره زمین به دلیل انباشت ذرات معلق در جو زمین افزایش می یابد. گرمایش جهانی به نوبه خود به تغییرات آب و هوایی منجر می شود (تقی زاده بجند و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۲) و در بلندمدت شرایط زیست در روی کره زمین را با مشکل مواجه می سازد. برای حل این معضل، جامعه بین المللی از دهه ۱۹۹۰ رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی را در قالب اتخاذ یک سری معاهدات بین المللی شکل داده است که تعهداتی برای کشورها در زمینه کاهش، تثبیت و کنترل سطح انتشار گازهای گلخانه ای ایجاد می کند. در این زمینه کنوانسیون تغییرات آب و هوایی (۱۹۹۲) و پروتکل کیوتو^۱ (۱۹۹۷) پاسخ جهانی به موضوع تغییراتی آب و هوایی بوده است که متعاقباً در توافق پاریس (۲۰۱۵) تکمیل شده است.

تمامی کشورهای عضو برای کاهش گازهای گلخانه و اهداف توافقنامه پاریس ۲۰۱۵ از جمله یکسان سازی هزینه ها برای حامل های انرژی توافق کردند (اسمعیلی خسرقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳). خروج آمریکا از معاهده پاریس را می توان به عنوان گذار از چندجانبه گرایی نئولیبرال به یکجانبه گرایی انحصاری دانست. انعقاد قرارداد نظامی گسترده شرکت های فوق صنعتی ایالات متحده با عربستان و

1. Kyoto Protocol

سایر کشورهای منطقه ای، واکنش کشورهای اروپایی و نهادهای میلیتاریستی در سایر حوزه های جغرافیایی را برمی انگیزد. انحصار در تاریخ اقتصاد سرمایه داری به خشونت، یکجانبه گرایی و جنگ های پایان ناپذیر منجر شده است (تقی زاده، ۱۳۹۸: ۱۷۶)

اهمیت این توافق در بعدی دیگر به اجماع جهانی صورت گرفته جهت اجرای آن مربوط می شود. بر اساس پیمان پاریس تمامی کشورها متعهد می شوند تا در مبارزه با تغییرات آب و هوایی، انتشار گازهای گلخانه ای مانند دی اکسید کربن حاصل از سوخت های فسیلی را کاهش دهند دانشمندان معتقدند که این گازها سبب گرمایش زمین، بالا آمدن سطح دریاها، خشکسالی ها و توفان های شدید شده و پیمان پاریس اولین پیمان لازم الاجرا در زمینه آب و هوایی است. طبیعتاً یکی از شروط اصلی ثمربخشی این معاهده، پایبندی کشورهای صنعتی به اجرای مفاد آن خواهد بود. آمریکا پس از چین دومین منبع انتشار گازهای گلخانه ای در جهان محسوب می شود. بر اساس پیمان پاریس آمریکا متعهد شده بود تا سال ۲۰۲۵ سطح انتشار گازهای گلخانه ای خود را نسبت به سال پایه ۲۰۰۵ بین ۲۶ تا ۲۸ درصد کاهش دهد. با عضویت در این توافقنامه به طور قطع میزان مصرف و تولید نفت کشورها کاهش پیدا خواهد کرد و این فرایند سبب کاهش قدرت اقتصادی و صنعتی و حتی در زمینه های خاصی به کاهش قدرت سیاسی و نظامی در کشورهای عضو منجر می شود. این موافقت نامه با هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه ای تدوین شد و برای رسیدن به این هدف با برگزیدن ساختار پایین به بالا این امکان را برای طرف ها فراهم کرد که با توجه به ظرفیت و توان خود حدود تعهداتشان به کاهش انتشار این گازها را تعیین کنند (قاسمی تمر، ۱۳۹۸: ۴۳) و همچنین بنابر توافقنامه طرف ها به ارائه گزارش برنامه مشارکتی تعیین شده در سطح ملی تعهد رفتاری الزام آوری دارند. یکی از نشانه های اصلی تفاوت و تمایز آمریکا و اروپا را می توان در ارتباط با پیمان های زیست محیطی و قراردادهای مربوط به کنترل فضای آب و هوایی دانست. کشورهای اروپایی به خاطر دارند که در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۵ چه تنش های نهفته ای در فرایند تصویب پیمان آب و هوایی پاریس شکل گرفت (تقی زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۱). ارزیابی پیمان پاریس نشان می دهد که شادی اروپایی ها از الحاق آمریکا به چنین پیمانی ماهیت گذرا و سراب گونه داشته است. آمریکا تلاش داشت تا بار دیگر روحیه آمریکایی را به عنوان بخشی از ضرورت های سیاست جهانی منعکس کند. نگرش آمریکا براساس جلوه هایی از ناسیونالیسم آمریکایی شکل گرفته است که به دنبال انحصار اقتصادی، برتری راهبردی، یکجانبه گرایی و در یک کلام تحقق «سلطه آمریکایی» بوده است. درحالی که هنوز نشانه های زیادی درباره چنین تفاوت هایی در سیاست های امنیتی آمریکا و اروپا وجود دارد. الگوی رفتاری آمریکا نشان داد که امنیت اقتصادی آمریکا محور اصلی سیاست جهانی در دوران موجود خواهد بود. آمریکا براساس

انگاره‌های اقتصادی خود در صدد است تا نشانه‌های هزینه‌بر دولت را کاهش دهد. یکجانبه‌گرایی آمریکا با آنچه از آن به عنوان دنیای آمریکایی نام برده می‌شود، هماهنگ و همگون خواهد بود. به همین دلیل است که اروپایی‌ها نیز تلاش چندانی برای جدایی از سیاست راهبردی آمریکا نخواهند داشت. تفاوت در انگاره‌های ذهنی اروپا و آمریکا درباره موضوعات اقتصادی، امنیتی و راهبردی موج می‌زند، درحالی‌که اروپا تمایلی به درگیرسازی خود با آمریکا و سیاست‌های تهاجمی ترامپ نداشت (تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

۶. دولت‌های عضو و تعهدات آنها در توافقنامه پاریس ۲۰۱۵

در ماده ۴ توافقنامه به تعهدات دولت‌ها اشاره شده است. در مقدمه ماده و پیش از تشریح تعهدات به این مهم اشاره شده است که دولت‌های عضو با رعایت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت و با در نظر گرفتن اولویت‌های توسعه منطقه‌ای و داخلی (حجتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴) و شرایط آنها اقدام به اجرای تعهدات مندرج در متن توافقنامه پاریس ۲۰۱۵ کنند. در این توافقنامه سه ضمیمه مشخص شده است؛ ضمیمه اول به تعهدات کلی که برای تمامی دولت‌های عضو لازم‌الاجرا خواهد بود، ضمیمه دوم به تعهدات دولت‌های توسعه یافته مندرج در ضمیمه شماره ۱، که متعهد به کاهش انتشارند و ضمیمه سوم به دولت‌های ضمیمه شماره ۲ اشاره دارد که متعهد به حمایت مالی از دولت‌های در حال توسعه به منظور تحقق اهداف این توافقنامه هستند. در این توافقنامه تعهدات به دو صورت شکلی و ماهوی بیان شده‌اند و دولت‌ها باید به آنها احترام بگذارند و خروج از این توافقنامه تبعات خود را دارد. تعهدات شکلی ممکن است صرف رعایت تشریفات لازم تأمین‌کننده تعهدات دولت‌ها را در نظر گرفته باشد. انجام برنامه‌های معین با مدیریت اصولی و اجرایی در کشورهای عضو به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تعهدی ماهوی است که نیاز به تعیین مصادیق معین خواهد داشت و در صورت عدم تعیین مکانیزم تحقق یا عدم تحقق آن به آسانی قابل ارزیابی نخواهد بود. در ماده ۱۲ توافقنامه پاریس تمامی دولت‌های عضو موظف به ارائه میزان انتشار و جذب گازهای گلخانه‌ای مطابق با سازوکارهایی که توسط کنفرانس اعضا در جلسات و اجلاس‌های مربوطه تعیین خواهند شد، هستند (پیری، ۱۳۹۷: ۶۳). در ماده ۱۷ اجازه تنظیم پروتکل‌ها داده شده است. در بند ۹ ماده ۷ توافقنامه هریک از اعضا به صراحت متعهد به مشارکت در اتخاذ برنامه‌ریزی و انجام اقدامات اجرایی در راستای سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی شده‌اند. طبق ماده ۹ دولت‌های توسعه یافته متعهد شده‌اند که حمایت مالی در زمینه مکانیزم‌ها و فناوری‌های مورد استفاده برای کاهش انتشار و سازگاری با آثار زیانباری که سبب تغییرات اقلیمی می‌شوند، انجام دهند (Leggett & Lattarizoo, 2017). در ماده ۲۸ امکان خروج از این توافقنامه بیان شده است، اما در بند ۱ این ماده

امکان خروج تا سه سال پس از پذیرش آن از کشورهای عضو سلب شده است. طبق ماده ۱۵ بند ۳ و ماده ۱۶ بند ۴ در صورتی که کشور به هر دلیل از جمله وارد شدن خسارات جدی در اثر پذیرش توافقنامه و ابعاد حقوقی مربوط به آن، تصمیم به خروج از این توافقنامه بگیرد، اجرای این تصمیم تا مدت یک سال امکان پذیر نیست و کشور در این دوره مشمول پرداخت جریمه و تحمل خساراتی است که تاکنون مشخص نشده و به کنفرانس اعضا در سالهای آتی موکول شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲). در حال حاضر کشورهای توسعه یافته بیشترین آلودگی زیست محیطی را تولید می کنند. اما توافقنامه پاریس بیشترین تمرکز خود را بر روی کشورهای در حال توسعه گذاشته است، که این مورد نیز خود جای بحث دارد (یزدانیان، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

۷. توافقنامه پاریس و حقوق بشر کشورها

مدافعان حقوق بشر هشدار داده اند که در صورت عدم کنترل، تغییرات اقلیمی به نقض قابل توجه حقوق بشر در جهان منجر خواهد شد. برای رسیدن به سیستم اقلیمی پایدار این امر تنها با حق داشتن محیط زیست سالم، حقوق زندگی، خانواده، آب، مسکن و غذا و ... امکان پذیر است. هدف UNFCCC از DAI به صراحت به تأثیرات اجتماعی-اقتصادی بر امنیت غذایی و توسعه اقتصادی اشاره دارد.^۱ در نهایت، اگر کشوری نتواند به هدف مندرج در UNFCCC دست یابد، در جلوگیری از نقض حقوق بشر مرتبط نیز شکست خواهد خورد. به عبارت دیگر، تصمیم گیری در مورد آنچه کشورها باید انجام دهند تا به تعهد UNFCCC عمل کنند، نشان دهنده اقداماتی است که کشورها به طور جمعی باید حداقل برای رسیدن به سطح ایمن از انتشار گازهای گلخانه ای برای حمایت از حقوق بشر در جوامع بین المللی انجام دهند.

هدف دمایی توافقنامه پاریس منعکس کننده این تصمیم است که برای جلوگیری از تأثیرات فزاینده از رژیم آب و هوا، حفظ دمای «خیلی کمتر از ۲ درجه سانتیگراد» ضروری است.^۲ برآوردها حاکی از آن است که استانداردهای سندهای مشارکت ملی فعلی، در صورت تحقق، امکان افزایش تخمینی میانگین دمای جهانی ۳/۳ درجه سانتیگراد را فراهم کرده و میلیون ها نفر را به دلیل افزایش سطح دریا و افزایش فراوانی رویدادهای شدید آب و هوایی آواره می کنند. این امر تحقق حقوق اساسی بشر را تهدید می کند. اگرچه

1. See OHCHR, supra note 48, 20-41; see also David Hunter, Human Rights for Climate Change Implications, 11 OR. REV. INT'L L. 331 (2009).

2. See Paris Agreement, supra note 1, pmbt ("In furtherance of the objective of the Convention"), art 2(1) ("in enhancing implementation of the Convention, including its objective")

ممکن است تحقق اهداف توافقنامه پاریس برای محافظت از حقوق بشر در برابر تأثیرات تغییرات آب و هوایی کافی نباشد، دستیابی به آنها بی شک یک قدم حداقلی به جلو نسبت به وضعیت موجود است. در سالیان اخیر، حامیان حقوق بشر با توجه به شناخت توافق پاریس و شناخت اهداف دمایی آن، این موضوع را در درخواست از دادگاه‌ها برای بررسی تلاش‌های مربوطه کشورشان برای حمایت از حقوق فردی به رسمیت شناخته شده بین‌المللی یا ملی در برابر تهدیدات در نظر گرفتند. به طور مثال دعوی علیه هلند را میتوان نام برد، که در آن یک دادگاه استیناف یک چالش مبتنی بر حقوق بشر را تأیید کرده است که ادعا می‌کند تعهدات هلند برای کاهش تغییرات آب و هوا و کاهش گازهای گلخانه‌ای کافی نیست. یک گروه زیست محیطی هلندی از دولت هلند به دلیل اقدام ناکافی آن برای جلوگیری از خطرات جدی زیست محیطی و بهداشتی ناشی از تغییرات آب و هوایی شکایت کرد (دن هاگ، ۲۰۱۵).^۱ شاکیان به دنبال این بودند که دولت را وادار کنند که محدودیت‌های سخت‌تر از آنچه در حال حاضر تصور می‌شود، بر انتشار گازهای گلخانه‌ای اعمال کنند. در این درخواست به طور خاص به تصمیم دولت هلند برای کاهش چشمگیر تعهد قبلی خود برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اشاره شده بود. در سال ۲۰۱۱، هلند کاهش ۳۰ درصدی را نسبت به سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ تبلیغ کرده بود، اما ملاحظات سیاسی موجب شد که هلند تعهد خود را تا زمان شکایت به ۱۷ درصد کاهش دهد. شاکیان با توجه به عدم حمایت علمی برای کاهش تعهد هلند، استدلال کردند که دولت به تعهدات خود در قبال شاکیان عمل نکرده است. در سال ۲۰۱۵، دادگاه منطقه لاهه با درخواست علیه کشور هلند موافقت کرد. دادگاه لاهه به بررسی مذاکرات طولانی توافق پاریس پرداخت و عملکرد هلند را با هدف کاهش گازهای گلخانه‌ای در طول سال‌ها بررسی کرد. لاهه متوجه شد دولت هلند از مدت‌ها قبل از هدف کاهش ۲۵ تا ۴۰ درصدی اطلاع داشته است. گزارش IPCC^۲ که بیان می‌کند که چنین کاهشی تا پایان سال ۲۰۲۰ برای دستیابی به هدف ۲ (۴AR)Co مورد نیاز است، کاملاً صحت داشته است. دادگاه به دولت هلند دستور داد تا میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را حداقل ۲۵ درصد نسبت به سطوح سال ۱۹۹۰ کاهش دهد و انتخاب روش‌های کاهش را به دولت واگذار کرد. در انتها مشخص شده است که شاکیان استدلال می‌کنند که اتحادیه اروپا تعهدات خود را تحت توافق پاریس و بر اساس قوانین عرفی محیط زیست بین‌المللی مبنی بر «عدم آسیب رساندن» به کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت آنها نقض کرده است.^۳

1. See Rechtbank Den Haag, 24 Juni 2015 Duty of Care for Climate Change Mitigation: Will Urgenda Turn the Tide?, 4 TRANSNAT'L ENVTL. L. 339, 341 (2015).

2. Intergovernmental Panel on Climate Change

3. Order, Juliana v. United States, Case No.: 18-80176 (9th Cir., Dec. 26, 2018) (granting

کشورهای عضو موظفاند از آسیب قابل توجه به جمعیت و محیط زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی جلوگیری کنند. آنها بر اصل «آسیب نزدن» تکیه کردند، که در داوری تریل اسملتر در سال ۱۹۴۱ اعمال شد. هیأت داوری حکم داد که حقوق بین الملل حق حاکمیت هر کشور را برای استفاده از قلمرو خود به دلخواه خود به رسمیت می شناسد، اما نه به گونه ای که به محیط زیست کشور دیگر آسیب برساند (سامانی، ۱۳۹۷: ۱۴۲). نتایج نشان می دهد اصل عدم آسیب مطلق نیست، بلکه مستلزم شناسایی خطوط وظایف دولت برای مراقبت از مردم است. دولت ها وظیفه دارند از تمام وسایلی که در اختیار دارند برای جلوگیری از فعالیت هایی که در قلمرو آن یا در هر منطقه تحت صلاحیت آن انجام می گیرد و به محیط زیست کشور دیگر آسیب می رساند، استفاده نکنند. درجه مراقبت مورد نیاز متناسب با خطری است که در آن وجود دارد و دولت ها باید تمام اقداماتی را که از نظر فنی و اقتصادی توانایی دارند، انجام دهند. آستانه خیلی کمتر از ۲ درجه سانتی گراد نباید به اشتباه درک شود که این حق است برای دولت ها برای بهره برداری کامل از فضا تا ۲ درجه سانتی گراد، این دما حد اکثری است که نباید به آن برسند. در عوض، تمامی کشورهای عضو باید «تلاش هایی را برای محدود کردن افزایش دما به ۱٫۵ درجه سانتی گراد دنبال کنند. توافق پاریس جایگزین قاعده لا ضرری نشده است. قاعده لا ضرر به عنوان یک تعهد عرفی بین المللی مستقل باقی است و ممکن است تعهداتی فراتر از تعهداتی را که در موافقت نامه پاریس منعکس شده است، به کشورهای عضو تحمیل کند. به عنوان حقوق بین الملل عرفی، تعهد به عدم ایجاد ضرر به طور یکسان در مورد همه دولت ها، از جمله ایالات متحده، اعمال شده است، مگر اینکه دولت به طور مداوم به اعمال آن اعتراض کرده باشد. ایالات متحده به طور مداوم مخالفت نکرده است. در ایالات متحده هم، این اصل همچنین مستلزم تعهد به مراقبت لازم برای جلوگیری از آسیب قابل توجه است.

دولت ها موظف هستند اقدامات لازم را انجام دهند تا حدی که در شرایطی قابل اجرا باشد، تا اطمینان حاصل شود که فعالیت ها در صلاحیت یا کنترل خود: الف) مطابق با قواعد و استانداردهای بین المللی پذیرفته شده عمومی برای پیشگیری، کاهش و کنترل صدمات وارده به محیط زیست کشور دیگر یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی؛ و ب) به گونه ای انجام شود که آسیب قابل توجهی به محیط زیست کشور دیگر یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی کشورها وارد نشود. بنابراین، الزام به مراقبت لازم، بی شک کشورهای عضو را ملزم می کند که اقداماتی را مطابق با سهم عادلانه کاهش دهنده خود با هدف رسیدن به ۲ درجه سانتی گراد انجام دهد. خروج آمریکا از توافق پاریس این تحلیل را تعبیر قابل توجهی نمی دهد. ایالات

متحدۀ همچنان مشمول تعهدات قانون عرفی خود است و هدف دمایی توافقنامه پاریس یک «استاندارد بین المللی پذیرفته شده بین کشورهای عضو» است که یک نقطه مرجع برای تعریف این تعهد ارائه داده است. در واقع، خروج از توافقنامه پاریس و کاهش سیاست های تغییر اقلیم احتمالاً این موضوع را تقویت می کند که ایالات متحدۀ «مراقبت لازم» را برای جلوگیری از آسیب فرامرزی تغییرات آب و هوایی رعایت نکرده است.

۸. دلایل و عواقب احتمالی خروج ایالت متحدۀ از توافقنامه پاریس ۲۰۱۵

از نظر اقتصادی، توافقنامه پاریس امنیت آب و هوای آمریکا را افزایش می دهد، اقتصاد کم کربن آمریکا و صنعت انرژی های تجدید پذیر را ارتقا می بخشد و برای تأمین اشتغال و حفظ مزیت رقابتی ایالات متحدۀ ضروری بود (اوباما^۱، ۲۰۱۷). اما دولت بعدی معتقد بود که توافقنامه پاریس مزیت رقابتی ایالات متحدۀ را ضعیف می کند و صنایع اشتغال و انرژی های سنتی را مختل می کند. وی معتقد بود توافقنامه پاریس ۲۰۱۵ هزینه های زیادی برای ایالت متحدۀ آمریکا ایجاد می کند و مزایای زیست محیطی و اقتصادی آن را کوچک می کند. تصمیم ایالت متحدۀ آمریکا درباره خروج از توافقنامه اغلب ناشی از سیاست داخلی ایالات متحدۀ و ترجیحات شخصی بوده است. تغییرات آب و هوایی همه کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار می دهد و تنها با تلاش هماهنگ و چند جانبه قابل حل است. توافقنامه پاریس موثرترین بستر برای گرد هم آوردن کشورها در این زمینه بوده است.

- خروج ایالات متحدۀ سابقه بدی برای همکاری جهانی آب و هوا ایجاد می کند (مایر^۲، ۲۰۱۷). یکی از نگرانی ها این است که سایر کشورها بتوانند از ایالات متحدۀ الگو بگیرند و به طور مشابه از توافقنامه پاریس خارج شوند. در واقع، اگر بقیه جهان اقدام خود را به مدت هشت سال به تعویق بیندازند، نتیجه آن دو برابر شدن انتشار CO2 تجمعی در طول قرن آینده خواهد بود.
- هدف ۲ درجه سانتی گراد دست نیافتنی می شود (ژانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). اگرچه ایالات متحدۀ پروتکل کیوتو را امضا کرد (شیروی، ۱۳۹۰: ۲۱۱)، اما توافقنامه پاریس را به طور رسمی تصویب نکرد: این امر به تصویب معاهده دیگری به نام مراکش توسط جامعه بین المللی منجر شد. با توجه به این اتفاقات بعید به نظر می رسد که توافق پاریس با خروج ایالات متحدۀ از راه خارج شود، حداقل در کوتاه مدت، زیرا جامعه بین المللی بر تعهد تقریباً جهانی به آن تأکید کرده است و

1. Obama
2. Mayer
3. Dai

در ماده ۲۸ امکان خروج از این توافقنامه بیان شده است. حتی اگر ایالات متحده به عنوان یک عضو باقی بماند، با توجه به قدرت اقتصادی و اهمیت آن به عنوان اصلی ترین انتشاردهنده دی اکسید کربن در جهان، در صورت عدم دستیابی به اهداف مورد توافق خود، سایر طرفها تمایل کمتری به ادامه همکاری در زمینه رسیدن به اهداف توافقنامه خواهند داشت.

- قطع کمک های آب و هوایی ایالات متحده (والش^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ مک سوینی^۲، ۲۰۱۵) کاهش و سازگاری با تغییرات آب و هوایی را برای کشورهای در حال توسعه دشوارتر می کند و به احتمال زیاد این کشورها به هدف مدنظر در توافقنامه پاریس دست نمی یابند. تامین مالی برای اجرای توافقنامه پاریس ضروری است و طبق اصل مسئولیت مشترک اما متمایز، کشورهای توسعه یافته موظف به تامین منابع مالی آب و هوا برای کشورهای در حال توسعه هستند.
- اقدام دیر هنگام ایالت متحده آمریکا ممکن است پنجره ای از فرصت ها را برای جهان در کاهش تغییرات آب و هوا به همراه داشته باشد. تحقیقات نشان می دهد که ده سال آینده برای دستیابی به هدف توافقنامه پاریس بسیار مهم است، زیرا انتشار گازهای گلخانه ای در ده سال آینده برای رسیدن به اهداف بدون پیشرفت فناوری و تکنولوژی های نوین پیش بینی نشده و این موضوع خود نگران کننده است.
- کاهش شدید بودجه تحقیقات آب و هوا توسط دولت ایالت متحده آمریکا، کیفیت گزارش های IPCC در آینده را به خطر می اندازد و در نهایت اقتدار مذاکرات در زمینه تغییرات آب و هوایی در آینده را ضعیف می کند. ایالات متحده در تحقیقات بنیادی در زمین G تغییرات آب و هوایی جهان را رهبری می کرد و تا سال ۲۰۱۵، آمریکا ۵۸ درصد از ۱۰۰ مقالات معتبر آب و هوایی را به خود اختصاص داده بود. در بین مقاله منتشر شده در مورد تغییرات آب و هوا، ۲۳ درصد از مقالات مربوط به ایالات متحده هستند، بسیار بیشتر از هر کشور دیگری که عضو توافقنامه پاریس هستند (مک سوینی، ۲۰۱۵). پس از تصویب کاهش بودجه پیشنهادی ایالت متحده آمریکا، بودجه اقلیمی در چندین آژانس فدرال در معرض خطر قرار می گیرد و در بلندمدت، مذاکرات اقلیمی و همکاری های بین المللی آب و هوایی فلج خواهد شد. به طور خلاصه، خروج ایالات متحده احتمال دستیابی به هدف توافقنامه پاریس را به میزان چشمگیری کاهش می دهد و حتی ممکن است این هدف را برای سایر کشورهای عضو غیرقابل دستیابی کند. این خروج بنیان حکومت جهانی آب و هوا را زیر پا می گذارد و روند همکاری جهانی آب و هوا را برهم می زند.

1. Walsh

2. McSweeney

۹. کرین صفر و دولت‌های عضو

همه کشورهای عضو باید برنامه‌هایی را برای صفر خالص اتخاذ کنند و فوراً برای رسیدن به این هدف اقداماتی را انجام دهند، این به معنای کاهش ۴۵ درصدی سطح انتشار جهانی تا ۲۰۳۰ در مقایسه با ۲۰۱۰ است. مهم‌تر از آن، آنها متعهد شده‌اند که بین ۲۰۵۰ تا ۲۱۰۰ تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای را به صفر برسانند. اما تاکنون تعهدات برای مهار کردن گرمایش زمین زیر دو درجه سانتی‌گراد کافی نبوده است و گزارش‌ها نشان می‌دهد با رعایت تعهدات کنونی دما بین ۲/۷ تا سه درجه خواهد رسید. طبق ماده ۶ موافقت‌نامه پاریس می‌توان به پیوند سیستم‌های تجاری موجود در زمینه انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد یک طرح جدید برای ایجاد اعتبارات کرین قابل معامله کمک و تجارت جهانی کرین را تقویت کند، اما تا به امروز پیشرفت در این زمینه بسیار کند بوده است. با افزایش جاه‌طلبی کشورها و چالش‌های مداوم و با توجه به شکست کلی در اجلاس کپنهاگ در سال ۲۰۰۹، نشست گلاسکو همچنان یک آزمایش کلیدی برای رویکرد موافقت‌نامه پاریس در مورد پذیرش تعهدات ملی بیشتر کشورها بوده است. هدف این اجلاس پیشرفت در زمینه کاهش مصرف زغال سنگ، تأمین مالی سبز، خودروهای برقی و کاهش جنگل‌زدایی بوده است، که مسائل و مشکلات مانند انحراف مداوم اذهان عمومی به بیماری کووید-۱۹، روابط پرتنش آمریکا و چین به‌ویژه اینکه پکن تمایلی به جداسازی موضوع اقلیم از دیگر مسائل دوجانبه ندارد، موانع کنگره آمریکا بر سر برنامه داخلی اقلیمی بایدن که می‌تواند نقش ایالات متحده آمریکا را محدود کند تا به امروز محقق نشده است.

با توجه به توافق سازوکارهای تعبیه‌شده، این تعهدات به رسمیت شناخته می‌شود، اما از نظر قانونی الزام‌آور نیست، در رابطه با خسارت‌های مالی که کشورهای آسیب‌پذیر به دلیل اثرات آب‌وهوایی به آنها دچار خواهند شد. با توجه به توافق‌نامه موجود، دعاوی مالی کشورهای آسیب‌دیده از تغییرات اقلیمی پذیرفته نمی‌شود و این توافق‌نامه مبنایی برای درخواست غرامت از سوی کشورهای آسیب‌پذیر و متهم کردن دیگر کشورها نخواهد بود.

۱۰. IPCC و توافق‌نامه پاریس

هیأت بین‌الدولی تغییر اقلیم^۱ نهادی بین‌الدولی است که پس از مطرح شدن اهمیت مسئله آثار گرمایش جهانی در اولین کنفرانس بین‌المللی تغییر اقلیم، با هدف ارزیابی تحقیقات علمی، فنی، اقتصادی و

1. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

اجتماعی مرتبط با تغییر اقلیم و آثار آن بر کره زمین در سال ۱۹۸۸ توسط سازمان جهانی هواشناسی^۱ و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد^۲ به وجود آمد. اقدامات ملی و بین المللی در این زمینه این هیأت را به عنوان مرجع اعتبار تلقی می کنند.^۳

تغییرات اقلیمی ترکیبی با استفاده ناپایدار از منابع طبیعی، تخریب زیستگاه ها، رشد شهرنشینی و نابرابری جمعیت و ۳/۳ تا ۳/۶ میلیارد نفر در نقاطی زندگی می کنند که نسبت به تغییرات اقلیمی آسیب پذیری بیشتری دارند. از جمله چالش هایی که با هم در تداخل هستند، می توان به دستیابی محدود به آب و خدمات بهداشتی، معیشت حساس به اقلیم، سطح بالای فقر، مدیریت ضعیف، نداشتن سرمایه و عدم پاسخگویی و اعتماد به حاکمیت ها اشاره کرد. بر اساس جدیدترین یافته های هیأت بین دولتی تغییرات آب و هوا (IPCC)، اگر اقدامات جدی برای کاهش تغییرات آب و هوایی و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای انجام نگیرد، آینده مبهمی در انتظار جهانیان است. در صورت تداوم گرمایش کنونی، گرم شدن زمین از ۱/۵ درجه سانتی گراد فراتر خواهد رفت و تا سال ۲۰۵۰ به دو درجه سانتی گراد خواهد رسید. این افزایش دودرجه ای، بر شدت رویدادهای آب و هوایی غیرعادی خواهد بود و عواقب آن می تواند پیامدهای جدی برای کشاورزی و سلامتی داشته باشد و سبب حوادث شدید آب و هوایی و بلایای طبیعی ناگواری در جهان شود. اما اگر موفق شویم افزایش دمای متوسط جهانی را به حداکثر ۱/۵ درجه سانتی گراد بالاتر از سطوح پیشاصنعتی محدود کنیم، می توانیم برخی از تغییراتی را که اکنون دیده می شود، در مسیرشان کند یا حتی متوقف کنیم. اما بدون کاهش گسترده انتشار گازهایی که اکنون در حال گرم کردن سیاره هستند، این هدف «دور از دسترس خواهد بود». دستیابی به انتشار جهانی صفر خالص کربن، برای تثبیت دی اکسید کربنی که دمای سطحی جهان را افزایش داده، ضروری امری و اجتناب پذیر است. محدودسازی گرمایش به زیر دو درجه سانتی گراد نیز به نحو چشمگیر بر افزایش سطح دریاهای تأثیر خواهد گذاشت. با بررسی گزارش های منتشرشده، هیأت بین دولتی تغییر اقلیم، بررسی انتشار گاز دی اکسید کربن بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ نشان می دهد تنها تا ۱/۵ درجه سانتی گراد (۵۰ درصد) احتمال محدود کردن انتشار کربن و جلوگیری از افزایش دمای کره زمین وجود خواهد داشت. در ژانویه ۲۰۲۱ گزارش شده که شبکه استخراج بیت کوین (BTC) تنها ۰/۰۸ درصد از تولید جهانی دی اکسید کربن را به خود اختصاص داده است. در ششمین گزارش ارزیابی هیئت بین دولتی تغییر اقلیم ۲۰۲۲، بیان شده هشدارها نادیده گرفته شده و اکنون

1. World Meteorological Organization (WMO)

2. United Nation Environment Program (UNEP)

3. Principles governing IPCC work" (PDF). Intergovernmental Panel on Climate Change. 2006-04-28. Archived from the original (PDF) on 19 January 2017. Retrieved 30 December 2011.

دیر شده است و گرمایش جهانی برای انتقام از جهانیان از راه رسیده است. در این گزارش آمده است دمای متوسط زمین در حدود سال ۲۰۳۰ به ۱/۵ درجه سانتی گراد بالاتر از سطوح پیش از دوره صنعتی خواهد رسید. بنابراین برای حذف کربن از بخش انرژی اقداماتی فوری مورد نیاز است.^۱ هشدارها بسیار جدی است و شواهد انکارناپذیر انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوختن سوخت‌های فسیلی و ادامه جنگل زدایی سبب نابودی و زوال سیاره زمین شده است و میلیاردها نفر را در معرض خطر فوری قرار می‌دهد. امروزه برای جلوگیری از نابودی فزاینده زندگی، تنوع زیستی و زیرساخت‌ها، همزمان با کاهش سریع و عمیق انتشار گازهای گلخانه‌ای، اقدامات بلندپروازانه و سریعی برای سازگاری با تغییرات اقلیمی لازم است. گزارش‌های جدید بیانگر این است که تاکنون، پیشرفت‌ها در زمینه سازگاری نامتوازن بوده و شکاف‌های بسیاری بین اقدامات صورت گرفته و آنچه برای مقابله با خطرهای فزاینده در آینده لازم است، وجود دارد. این شکاف‌ها در میان جمعیت‌های کم‌درآمد و کشورهای فقیر بیشتر است. تغییرات اقلیمی با روندهای کنونی مانند استفاده ناپایدار از منابع طبیعی، شهرنشینی رو به رشد، نابرابری‌های اجتماعی، تلفات و خسارات ناشی از حوادث شدید و همه‌گیری در تعامل است و توسعه آینده را به خطر می‌اندازد.

۱۱. نتیجه

در حال حاضر کشورهای توسعه یافته بیشترین آلودگی زیست محیطی را تولید می‌کنند، این در حالی است که توافقنامه پاریس تمرکز خود را بر کشورهای در حال توسعه دارد و این خود یکی از نواقصی است که این توافقنامه می‌تواند داشته باشد. بدعهدی آمریکا و خروج این کشور از معاهده محیط زیستی پاریس ۲۰۱۵ که بیش از ۱۹۵ کشور دنیا آن را پذیرفته‌اند، به روشنی نشان داد که ایالات متحده آمریکا در این زمینه نقش خود را به درستی ایفا نکرده‌اند. در واقع خروج آمریکا از معاهده توافق آب‌وهوایی پاریس مصلحت جهانی را قربانی منافع نهادهای سرمایه داری کرد. تغییر اقلیم یک تهدید بسیار جدی برای انسان‌هاست. این اتفاق کشورهای جهان سوم را نشانه خواهد گرفت، چراکه آسیب‌پذیری آنها بیشتر است. چاره اندیشی درباره این موضوع بسیار اضطراری است. باید تلاش شود که حداکثر ظرف ۲۵ سال آینده تولید گازهای گلخانه‌ای به صفر برسد تا زمین فرصت بازایی خود را پیدا کند. هدف اصلی این توافق جهانی جلوگیری از افزایش دمای کره زمین و تلاش برای محدود کردن دما نسبت به سطح آن قبل از صنعتی شدن است. بیش از سه سال پس از تصویب، توافق پاریس شروع به تأثیرگذاری بر دعوی

۱. ششمین گزارش ارزیابی هیأت بین‌دولتی تغییر اقلیم (۲۰۲۲)

حقوقی آب و هوا کرده است، به گونه‌ای که احتمالاً مذاکره‌کنندگان کاملاً به آن فکر نکرده‌اند. مصالحه بسیار دقیق در مورد وضعیت حقوقی سند مشارکت ملی به یک توافقنامه رسمی الزام آور منجر شد، اما با زبانی که به طور خاص برای اطمینان از غیرالزام آور بودن تعهدات کاهش گازهای گلخانه‌ای طراحی شده بود. با وجود این بسیاری از سندهای مشارکت ملی ممکن است تحت قوانین ملی الزام آور باشند و کفایت آنها ممکن است مشمول بررسی قضایی شود. علاوه بر این، توافقنامه پاریس یک چارچوب جهانی مبتنی بر علم و به طور کلی پذیرفته شده ارائه می‌کند که دادگاه‌های ملی می‌توانند تلاش برای کاهش دما، افشای مالی ریسک برای کاهش گازهای گلخانه‌ای و انتظارات سرمایه‌گذاری شده از مقررات آتی را بر اساس آن ارزیابی کنند.

اهداف کاهش دما در توافقنامه پاریس و کاهش میان مدت و بلندمدت، همراه با اصول و رویه‌های آن برای توسعه سندهای مشارکت ملی آینده، بودجه و چارچوب کربن تضمینی را برای اطلاع‌رسانی به مذاکرات دادگاه‌های خارجی در مورد پرونده‌های مرتبط با آب و هوا فراهم می‌کند. این چارچوب یک الزام قانونی را ارائه نمی‌کند، اما پیشینه واقعی را ارائه می‌دهد که دادگاه‌ها، سهم عادلانه یک کشور از تلاش‌های کاهش آب و هوا را برای جلوگیری از تأثیرات فاجعه‌بار تغییر آب و هوایی، محاسبه کنند. در کل خروج یکی از کشورها، به کشورهای دیگر ضربه‌ای سهمگین می‌زند، تلاش برای مقابله با تغییرات اقلیمی، پیامدهای گرمایش جهانی را فاجعه‌بارتر خواهد کرد و در نتیجه، آسیب‌پذیری اکولوژیکی و خطر آب و هوای برای تمامی اعضای عضو به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت. اگرچه تاکنون هیچ کشور دیگری از الگوی دولت آمریکا پیروی نکرده است، اما این خطر وجود دارد که کشورهای دیگر نیز تشویق شوند تا اقدامات اقلیمی خود را کاهش دهند و این معضل روزبه روز بر آلاینده‌گی جهان خواهد افزود. با بازگشت آمریکا به توافق پاریس، به عنوان کشوری که بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را دارد و دومین انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای جهان محسوب می‌شود، موضوع بسیار بااهمیتی است؛ همان‌گونه که خروج این کشور از توافق نیز اهمیت زیادی داشت و نگرانی‌های زیادی را موجب گردید. بازگشت آمریکا به توافق و متعاقب آن اجرای تعهدات مبنی بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، علاوه بر تأثیر مستقیم بر بحران تغییرات آب و هوایی، موجب تشویق و هدایت دیگر کشورها نیز خواهد شد و قاعدتاً بر سیاست‌های چین به عنوان بزرگ‌ترین انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای جهان نیز تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم با تصمیم آمریکا به بازگشت به پیمان پاریس، انتظار می‌رود دولت بایدن برنامه‌ریزی جدیدی را برای تحقق اهداف پیمان در نظر بگیرد و ایالت‌های مختلف نحوه مشارکت خود برای تحقق اهداف کاهش گازهای گلخانه‌ای را تدوین کنند. از لحاظ تاریخی موضوع یکجانبه‌گرایی، یکی از سیاست‌های اساسی و زیربنایی سیاست خارجی کشور

ایالات متحده آمریکا به شمار می آید. خروج آمریکا از معاهده پاریس را می توان به عنوان گذار از چندجانبه گرایی نئولیبرال به یکجانبه گرایی انحصاری دانست. اگرچه آمریکا در ارتباط با موضوعات اقتصادی و راهبردی بین المللی خود را بر فراز شهری می داند که سیاست جهانی در آن شکل می گیرد، اما واقعیت جدیدی نیز در اروپا در حال شکل گیری است. موج مقابله با سیاست های آمریکا از فرانسه و آلمان به ایتالیا و بلژیک و در نهایت به انگلیس نیز سرایت کرده است. اظهارات شهردار لندن درباره ممنوعیت ورود آمریکا به لندن برای محافظه کاری آمریکا و الگوی برتری جویی ایالات متحده در دوران ترامپ نمادی از واکنش در حال ظهوری است که می تواند حوزه های دیگر نظام جهانی را در برگیرد. اقتصاد جهانی با واقعیت های انحصاری ترامپ هماهنگی چندانی ندارد. آمریکا تلاش دارد تا شکل جدیدی از برتری آمریکایی را از طریق سازوکارهای حقوقی، اقتصادی، امنیتی و راهبردی پیگیری کند.

ارزیابی IPCC به صورت واضح نشان می دهد که مقابله با چالش های موجود در جهان شامل همکاری همه دولت ها، بخش خصوصی، جامعه مدنی برای اولویت دهی به کاهش خطر و همچنین انصاف و عدالت در تصمیم گیری و سرمایه گذاری است. شهرنشینی رو به رشد به همراه تغییرات اقلیمی سبب ایجاد خطرهای پیچیده ای می شوند که این خطرات به خصوص متوجه شهرهایی است که پیش از این نیز درگیر رشد شهری نامناسب، سطوح بالای فقر و بیکاری و کمبود خدمات پایه بودند. شواهد بسیاری از سازش وجود دارد که موجب عواقب ناخواسته ای چون تخریب طبیعت، به خطر انداختن زندگی مردم، یا افزایش انتشار گازهای گلخانه ای در جهان شده است. با سهم کردن همه کشورهای عضو در برنامه ریزی، توجه به انصاف و عدالت و بهره مندی از دانش بومی و محلی، می توان از این امر جلوگیری کرد. ارزیابی ها بر ضرورت اقدام اقلیمی فوری با تمرکز بر انصاف و عدالت بین دول تاکید می کند. تأمین بودجه کافی، انتقال فناوری، تعهد سیاسی و مشارکت به سازگاری مؤثرتر با تغییرات اقلیمی و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در جهان منجر می شود. با توجه به اینکه نشست پاریس تلاش خود را برای حفظ گرمایش «بسیار کمتر از ۲ درجه سانتی گراد» متمرکز کرده بود و دستیابی به خالص انتشار کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ به عنوان یک قاعده عمومی تأیید شده است، انتظار می رود تلاش هایی برای زودتر اجرایی شدن جاه طلبی های اقلیمی صورت گیرد.

در نهایت باید یادآور شد، نقش توافق پاریس در شکل دادن به دعاوی آینده به طور چشمگیری با تصمیم دولت ها برای عقب نشینی محدود نخواهد شد، به خصوص اینکه رهبری او توسط سایر کشورها دنبال نمی شود. بدیهی است که دادگاه های سایر حوزه های قضایی، انکار خروج یک کشور با انگیزه سیاسی از توافق را به عنوان تضعیف توافق پاریس تلقی نمی کنند. درست مانند سایر حوزه های قضایی،

اتکا به موافقت نامه پاریس ممکن است بر اساس تأیید کلی آن از مجموعه ای علمی مبتنی بر اهداف کاهش باشد. مبنای حقوقی یک ادعا در ایالات متحده ممکن است از دکترین حقوقی دیگری ناشی شود، اما این واقعیت که اجماع کلی برای تأیید اهداف درجه حرارت و کاهش وجود دارد، به ایالات متحده وابسته نیست. جنبه های موافقت نامه همچنان چارچوبی معتبر ارائه می کنند که دادگاه ها می توانند تلاش هایی برای کاهش دما، افشای مالی و انتظارات سرمایه گذاران، از جمله دیگر چالش های مرتبط با آب و هوا را ارزیابی کنند. تغییرات اقلیمی تهدیدی برای رفاه انسان و سلامت زمین است. هرگونه تأخیر در اقدام مشترک جهانی منجر به از دست دادن پنجره کوتاه و به سرعت در حال بسته شدن برای تضمین آینده ای قابل زیست خواهد بود.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. اشتري، مهدي؛ پورکسب امیری، علی؛ فخرالدین، ابویه، (۱۳۹۷)، عملکرد یک جانبه گرایانه آمریکا و اتحادیه اروپا در عرصه بین المللی. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۶ (۵۳)، ۱۱۵-۱۳۵.
۲. پیری، مهدي (۱۳۹۵)، تأملی بر آثار حقوقی الحاق جمهوری اسلامی ایران به توافقنامه پاریس در خصوص تغییرات اقلیمی. مطالعات حقوق عمومی، ۴۸ (۴)، ۸۸۷-۹۰۸.
۳. چکشی، بهاره (۱۳۹۱)، بررسی پدیده تغییر اقلیم و گرمایش زمین و تأثیر آن بر اکوسیستم های زیستی زمین، اولین کنفرانس ملی بیابان، مرکز بین المللی تحقیقات بیابان، دانشگاه تهران، دوره اول شماره اول.
۴. سلیمان پور، هادی؛ بنی آزاد، فرزانه (۱۳۹۴)، توافقنامه پاریس: محور جدید همکاری در منطقه خلیج فارس. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱ (۳)، ۳۷-۶۰.
۵. شیروی، عبدالحسین (۲۰۱۸)، پروتکل کیوتو و تأمین مالی پروژه های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. مجله تحقیقات حقوق عمومی، (۲۲)، ۲۰۵-۲۳۰.
۶. عبدالهی محسن (۱۳۸۹) تغییرات اقلیمی: تأملی در راهبردها و اقدامات قانونی سازمان ملل متحد. مجله فلسفی حقوق. (۴۰)، ۱۹۳-۲۱۳.
۷. قاسمی تامر، محمد (۱۳۹۶)، تأثیر خروج ایالات متحده آمریکا از معاهده اقلیمی پاریس از منظر حقوق بین الملل. ششمین کنفرانس ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران.

۸. موسوی درجه، سید مسلم؛ قانع‌راد، سیدمحمدامین؛ شاه‌مرادی، بهروز (۱۳۹۵)، تبیین حاکمیت انتقال فناوری در ایران، مطالعه موردی: حوزه های فناوریانه انرژی بادی و خورشیدی. فصلنامه بهبود مدیریت. ۱۲ (۲)، ۱۴۱-۱۷۱.

(ب) پایان‌نامه

۹. اسماعیلی خسرقي، مرضيه؛ آل کجیاف، حسین؛ جلالیان، عسکر (۱۳۹۵)، روند اجرای کنوانسیون تغییر اقلیم با تاکید بر توافق پاریس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق - حقوق بین‌الملل.
۱۰. تقی‌زاده بیژن، محمد؛ کهکن، علیرضا؛ دشیار، حسین (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی شعارهای انتخاباتی و اقدامات سیاسی دولت ترامپ ۲۰۱۶-۲۰۱۸. پایان‌نامه رشته علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات آمریکای شمالی.
۱۱. حجتی، مهدیه؛ آرش پور، علیرضا؛ توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۳)، راهکارهای مقابله با تغییرات اقلیمی و گازهای ی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق، حقوق بین‌الملل.
۱۲. سامانی، جمال محمدولی؛ حیدری می‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۷)، بررسی سناریوهای تغییر اقلیم در بهره‌برداری از مخازن چند منظوره (مطالعه موردی: سد امیرکبیر). پای‌ان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تربیت مدرس دانشگاه.
۱۳. عمرزاده، صدیقه؛ آل کجیاف، حسین؛ انصاریان، مجتبی (۱۳۹۶)، مهاجرت‌های زیست محیطی با تاکید بر قرارداد پاریس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق، حقوق بین‌الملل.
۱۴. یزدانیان، علیرضا؛ عاطفه، حسین؛ (۱۳۹۳)، تأثیرات تغییر اقلیم بر امنیت و صلح جهانی، پایان‌نامه حقوق، حقوق بین‌الملل.

۲. انگلیسی

A) Articles

1. Christopher J Rhodes, (2017). US withdrawal from the COP21 Paris Climate Change Agreement, and its possible implication Science Progress (2017), 100(4), 411 – 41, Paper 1700246 <https://doi.org/10.3184/003685017X15063357842600>.
2. Clark, K. (2018). The Paris Agreement: Its Role in International Law and American Jurisprudence. *Notre Dame Journal of International & Comparative Law*: 8 (2), Article 8. Available at: <https://scholarship.law.nd.edu/ndjicl/vol8/iss2/8>
3. Han-Cheng Dai, Hai-Bin Zhang, Wen-Tao Wang (2017). The impacts of U.S. withdrawal from Paris Agreement on the carbon emission space and mitigation cost of China, EU and Japan under constraints of global carbon emission space. *Adv. Clim.*

- Change Res. 8 (4) [https:// doi.org/ 10.1016 /j.accre.2017.09.003](https://doi.org/10.1016/j.accre.2017.09.003).
4. David Hunter, Wenhui Ji, & Jenna Ruddock, The Paris Agreement and Global Climate Litigation after the Trump Withdrawal, 34 Md. J. Int'l L. 224 (۲۰۲۰). Available at: <https://digitalcommons.law.umaryland.edu/mjil/vol34/iss1/9>
 5. Ilja Richard Pavone, (2018). The Paris Agreement and the Trump administration: Road to nowhere?. *Journal of International Studies*, 11(1), 34-49. doi:10.14254/2071-8330.2018/11-1/3.
 6. IPCC, (2014). Climate Change 2014: Mitigation of Climate Change. Contribution of Working Group III to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge University Press, Cambridge and New York.
 7. Jonathan, H., Sam, A., (2015). The Top 10 Reasons American Politics are so Broken. Washington Post January 7.
 8. Leggett, Jane A& Lattanzio , Richard K.,(2017). Climate Change: Frequency Asked Questions About the 2015 Paris Agreeemnt, In: Miller Shirley(ed.) The 2015 Paris Agreement on Climate Change, Nova Science Publishers, Inc.
 9. Mayer, Jane. (2017). In the withdrawal from the Paris Climate Agreement, the Koch Brothers' campaign becomes overt. The New Yorker, June 5, 2017. <http://www.newyorker.com/news/news-desk/in-the-withdrawal-from-the-paris-climate-agreement-the-koch-brothers-campaign-becomes-overt>.
 10. McSweeney, Robert.(2015). Analysis: the most 'cited' climate change papers. <https://www.carbonbrief.org/analysis-the-most-cited-climate-change-papers>.
 11. Michael D. Swaine. (2019). Chinese Attitudes toward the U.S. Withdrawal from the Paris Climate Accords China Leadership Monitor.
 12. Obama, B. (2017). The irreversible momentum of clean energy. Science. <https://doi.org/10.1126/science.aam6284>.
 13. Poorhashemi,seid ,Abas. (2020). Emergence of "International Environmental Law": as a new branch of International Public Law. *CIFILE Journal of International Law*, 1(2), 33-39. http://www.cifilejournal.com/article_106534_028ca1405e65dbf20ac818b4b596b38b.pdf
 14. Report on US Damage to Global Environmental Governance, [https:// www.fmprc.gov.cn/ce/cebel/eng/sghd/t1825364.htm](https://www.fmprc.gov.cn/ce/cebel/eng/sghd/t1825364.htm)
 15. TWH (The White House), (2017). Statement By President Trump on the Paris Climate Accord. <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/06/01/statement-president-trump-paris-climate-accord>.
 16. UNFCCC, (2017). UNFCCC Standing Committee on Finance 2014 Biennial Assessment and Overview of Climate Finance Flows Report. https://unfccc.int/files/cooperation_and_support/financial_mechanism/standing_committee/application/pdf/2014_biennial_assessment_and_overview_of_climate_finance_flows_report_web.pdf.
 17. Walsh, Brian., Ciais, Philippe., Janssens, Ivan.A., Josep Peñuelas, Keywan Riahi, Felicjan Rydzak, Detlef P. van Vuuren & Michael Obersteiner., (2017). Pathways for balancing CO2 emissions and sinks. Nat. Commun. <https://doi.org/10.1038/ncomms14856>.